

روم مکاشفه را استوار می‌سازد — شماره دو

شناسایی روم معاصر و رؤیای نبوی در ایام آخر

Jeff Pippenger

2024-07-05

اور اُن ایام میں بہت سے لوگ جنوب کے بادشاہ کے خلاف اُٹھ کھڑے ہوں گے؛ اور تیرے لوگوں میں سے ظالم بھی رویت کو قائم کرنے کے لیے اپنے آپ کو بلند کریں گے؛ لیکن وہ گر جائیں گے۔ دانی ایل 11:14.

تشخیص درست قدرتِ ایام آخر کہ بہ صورت روم مدرن نمایانہ شدہ است، و بنابراین آن قدرتی کہ «رؤیا را برقرار می‌سازد»، امری اساسی و مربوط بہ نجات است. این، جزئی از فرایند آزمایش نہایی یکصد و چهل و چہار ہزار نفر را نمایندگی می‌کند. واژہ «رؤیا» در این آیہ همان واژہ عبری‌ای است کہ سلیمان ہنگامی بہ کار برد کہ علت ہلاکت قوم خدا را بیان کرد.

جہاں رؤیا نہیں ہوتی، وہاں لوگ ہلاک ہو جاتے ہیں؛ لیکن جو شریعت پر عمل کرتا ہے، وہ مبارک ہے۔ امثال 29:18.

تمام انبیا دربارہ ایام آخر، از ہر دورہ دیگری در تاریخ مقدس، بہ گونه‌ای مستقیم‌تر سخن می‌گویند، و ہشدار سلیمان دربارہ ضرورتِ دارا بودن «رؤیا» امری مرگ و زندگی است. حقیقت ہموارہ جدایی می‌افکند و دو طبقہ از پرستندگان پدید می‌آورد. در این آیہ، طبقہ‌ای ہست کہ ہلاک می‌شود و طبقہ‌ای کہ با خوشی شریعت را نگاہ می‌دارد. با این ہمہ، باید توجہ داشت کہ پند سلیمان در بستر مناقشہ‌ای بر سر «حقیقت» قرار دادہ شدہ است. ہمچنین این در بسترِ مَثَلِ دہ باکرہ قرار دارد، زیرا مَثَلِ دہ باکرہ نمونہ‌ای اصلی از تجربہ قوم خدا در ایام آخر است.

نادان ہمہ آنچہ در دل دارد پر زبان می‌آورد؛ اما مردِ حکیم آن را تا بعد فرو می‌نشاند. اگر حاکمی بہ دروغ گوش فرا دہد، ہمہ خادمانش شریر خواہند بود. فقیر و مردِ فریبکار با یکدیگر روبہ‌رو می‌شوند؛ خداوند چشمان ہر دوی ایشان را روشن می‌سازد. پادشاہی کہ فقیران را بہ امانت داوری کند، تخت او تا ابد استوار خواہد شد. چوب تأدیب و سرزنش حکمت می‌بخشد؛ اما کودکی کہ بہ حال خود واگذاشتہ شود، مادر خویش را بہ ننگ می‌کشاند. چون شریران فزونی گیرند، نافرمانی افزون می‌شود؛ اما پارسایان سقوط ایشان را خواہند دید. پسرت را تأدیب کن، و او تو را آسودگی خواہد بخشید؛ آری، جانت را شادمانی خواہد داد. ہر جا کہ رؤیا نباشد، قوم ہلاک می‌شوند؛ اما خوشا بہ حال آن کہ شریعت را نگاہ می‌دارد. امثال 11:29-18.

هدف من آن نیست کہ بہ کسانی کہ ممکن است دربارہ روم جدید برداشتی متفاوت از من داشتہ باشند، انگشت اتهام نشان دہم. مقصود من این است کہ نشان دہم سلیمان دو گروہ از عبادت‌کنندگان را مورد خطاب قرار می‌دہد کہ آن‌ها را «مردِ حکیم» و «احمق» معرفی می‌کند. «احمق» ہمچنین بہ عنوان «شریر» نیز شناسانہ شدہ است. باکرہ‌های حکیم و نادان مَثَلِ نیز در خط نبوی دانیال باب دوازدهم بہ عنوان حکیمان و شریران معرفی شدہ‌اند.

بسیاری پاک خواہند شد و سفید گردانیدہ خواہند شد و آزمودہ خواہند شد؛ اما شریران شرارت خواہند ورزید، و ہیچیک از شریران نخواہند فہمید؛ لیکن دانایان خواہند فہمید. دانیال ۱۲:۱۰.

سلیمان و دانیال با یکدیگر ہمداستان‌اند، زیرا تمامی گواہی نبوی در ایام آخر با ہم ہمہنگ است. حکیمان «افزونی معرفت» را درمی‌یابند.

و آنان که حکیم‌اند، همچون درخشش فلک خواهند درخشید؛ و آنان که بسیاری را به سوی عدالت باز می‌گردانند، مانند ستارگان تا ابد آباد. اما تو، ای دانیال، این سخنان را پنهان دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن: بسیاری به این سو و آن سو خواهند شتافت، و معرفت افزون خواهد شد. دانیال ۳: ۱۲، ۴

آیه دهم فرایند آزمایش سه مرحله‌ای را مشخص می‌سازد که باکرگان را، که فراخوانده شده‌اند تا در شمار صد و چهل و چهار هزار تن باشند، غربال می‌کند. در هر دو مورد، فرایند غربال کردن و آزمودن بر این اساس استوار است که آیا باکرگان افزایش معرفت (رؤیا) را که در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، مهرگشایی شد، درک می‌کنند یا نه.

«زمان آخر» در ایام آخر، سال ۱۹۸۹ بود، هنگامی که آیات چهل تا چهل و پنج دانیال یازده مهرگشایی شد. در آن زمان ثابت گردید که موضوع این آیات، صعود و سقوط نهایی پادشاه شمال است. در آن زمان نیز ثابت شد که پادشاه شمال در این آیات، قدرت پاپی ایام آخر است. الهام هرگز از تعبیر «روم مدرن» استفاده نمی‌کند. این تعبیر را من ابداع کردم تا نمایانگر قدرت پاپی ایام آخر باشد، زیرا از لحاظ نبوتی، «مدرن» نمایانگر ایام آخر است. الن وایت نیز هرگز از تعبیر «روم مدرن» استفاده نکرد.

دانیال یازده که آخری چهل آیات میں "شمال کے بادشاہ" سے کون مراد ہے، اس بارے میں غلط نظریات پائے جاتے ہیں، لیکن صرف ایک ہی درست فہم ہے۔ یہ فہم کہ ان آیات میں شمال کا بادشاہ پاپائی اقتدار ہے، بہت سے نبوی گواہوں سے ماخوذ ہے۔ آیت چالیس اس امر کی نشاندہی کرتے ہوئے آغاز کرتی ہے کہ 1798 میں پاپائیت کو ایک مہلک زخم لگا، پھر آیات اکتالیس سے تینتالیس تک ان عوامل کی نشان دہی کرتی ہیں جو اس مہلک زخم کے بھرنے میں کارفرما ہیں۔ آیت چوالیس اس پیغام کو بیان کرتی ہے جو پاپائیت کو مشتعل کرتا ہے اور آیت پینتالیس کی طرف لے جاتا ہے، جہاں پاپائی اقتدار اپنے آخری اور مکمل انجام کو پہنچتا ہے۔ جو رويا 1989 میں وا کی گئی، وہ آخری ایام میں پاپائی اقتدار کے آخری عروج اور زوال کی رويا ہے۔ وہ رويا علم میں وہ اضافہ ہے جو پرستش کرنے والوں کے دو طبقے پیدا کرتا اور ظاہر کرتا ہے، اور یہ ان آیات میں موجود علم کے قبول یا رد کرنے کی بنیاد پر ہوتا ہے۔

بر اساس همان فصلی که در آن افزایش معرفت در سال ۱۹۸۹ گشوده شد، «دزدان قوم تو» که «خود را برمی‌افرازند» و در نهایت «سقوط می‌کنند»، نمادی هستند که «رؤیا» را برقرار می‌سازد. در غربال نهایی، نخستین پرسش آزمون این است که چه کسی به عنوان «دزدان قوم تو» معرفی شده است، زیرا آنان نماد نبوی‌ای هستند که «رؤیا» را برقرار می‌سازد. آیا دزدان، قدرت پاپی هستند یا ایالات متحده؟

کتاب‌های دانیال و مکاشفه یک کتاب واحدند و دو شاهد یک خط واحد نبوت را نمایندگی می‌کنند. دانیال آغاز است و مکاشفه پایان، و این دو با هم دو شاهد حقیقتی را نمایندگی می‌کنند که در زمان آخر، در سال ۱۹۸۹، مهرگشایی می‌شود.

دانیال فرایند تطهیری را توصیف می‌کند که هنگامی پدید آمد که شیر سبط یهودا در سال ۱۹۸۹ آیات چهل تا چهل و پنج را گشود. در آن زمان، فرایندی از آزمون آغاز شد تا معین سازد و آشکار کند چه کسانی آن «کاهنان» خواهند بود که قوم عهد را تشکیل می‌دهند و همان صد و چهل و چهار هزار ایام آخر هستند. هوشع نیز می‌افزاید که آنان که افزایش معرفت ایام آخر را رد می‌کنند، از جمله کاهنانی که صد و چهل و چهار هزار را تشکیل می‌دهند، نخواهند شد.

قوم من به سبب نداشتن معرفت هلاک می‌شوند؛ چون تو معرفت را رد کرده‌ای، من نیز تو را رد خواهم کرد تا برای من کاهن نباشی؛ و چون شریعت خدای خود را فراموش کرده‌ای، من نیز فرزندان را فراموش خواهم کرد. هوشع ۴: ۶.

کتاب مکاشفہ واضح کرتا ہے کہ وہ علم جو مہر کھلنے کے بعد ظاہر کیا گیا مگر ایک جماعت نے اسے رد کر دیا، اُن کی ردیت کو عین اُس وقت کامل کرتا ہے جب مہلت آزمائش بند ہونے کے قریب ہوتی ہے۔

و به من گفت: سخنان نبوت این کتاب را مہر مکن، زیرا وقت نزدیک است. آن کہ ظالم است، بگذار همچنان ظلم کند؛ و آن کہ ناپاک است، بگذار همچنان ناپاک بماند؛ و آن کہ عادل است، بگذار همچنان عدالت ورزد؛ و آن کہ مقدس است، بگذار همچنان مقدس بماند. مکاشفہ ۱۰:۲۲، ۱۱.

تاریخ میلریتی‌ها، تاریخ یکصد و چهل و چہار ہزار را بہ تصویر می‌کشد، و میلریتی‌ها و یکصد و چهل و چہار ہزار با ہم آغاز و انجام پیام و کار سہ فرشتہ مکاشفہ باب چہارہ را نمایندگی می‌کنند. این تاریخ‌های موازی، رویدادہای مرتبط با بستہ شدن در فیض را مشخص می‌سازند. کار ہر دو تاریخ، بہ وسیلہٴ ایلیا و یحیی تعمیددہندہ بہ صورت نمادین پیش‌نمودہ شدہ است.

«با لرز و ہیبت، ویلیام میلر آغاز کرد تا اسرار ملکوت خدا را برای مردم آشکار سازد و شنوندگان خود را از خلال نبوت‌ها تا آمدن دوبارہٴ مسیح پیش برد. با ہر کوششی کہ بہ کار می‌برد، قوت بیشتری می‌یافت. چنان کہ یحیی تعمیددہندہ آمدن نخست عیسی را ندا داد و راہ را برای ظهور او مہیا ساخت، ویلیام میلر نیز، ہمراہ با آنان کہ بہ او پیوستند، آمدن دوبارہٴ پسر خدا را اعلام کردند.» Early Writings, 229, 230.

پیام میلری «رویدادہای» مرتبط با پایان مہلت آزمون را، آن‌گونہ کہ ہم در ایلیا و ہم در یحیی تعمیددہندہ بہ تصویر کشیدہ شدہ است، مشخص ساخت.

«ضروری بود کہ انسان‌ها نسبت بہ خطر خود بیدار شوند؛ و برانگیختہ گردند تا برای رویدادہای خطیری کہ با پایان زمان مہلت فیض پیوند دارد، آمادہ شوند.» جدال عظیم، ۳۱۰.

در سال ۱۹۸۹، با فروپاشی اتحاد جماہیر شوروی، بخشی از کتاب دانیال کہ بہ ایام آخر مربوط می‌شد گشودہ شد و فرایند آزمایشی آغاز گردید. این آزمون بر توانایی یا ناتوانی قوم خدا در درک کردن یا رد نمودن افزایش معرفتی استوار بود کہ در شش آیہ آخر فصل یازدہم دانیال نمود یافتہ است؛ آیاتی کہ بہ آیہٴ نخست فصل دوازدهم می‌رسند، آیہ‌ای کہ «بستہ شدن در فیض» را مشخص می‌سازد. سپس پیام «رویدادہای مرتبط با بستہ شدن در فیض» گشودہ شد، و کار کسانی کہ نامزد آن بودند کہ «کاهنان» یکصد و چهل و چہار ہزار باشند آغاز گردید. کار ایشان این بود کہ پیام بازنمایی‌شدہ در آن بخش را «درک کنند» و اعلام نمایند. پیام و کار یکصد و چهل و چہار ہزار این بود کہ پیام گشودہ‌شدہ را عرضہ کنند تا مردمان را «برای مہیا شدن جہت رویدادہای خطیر مرتبط با بستہ شدن در فیض» بیدار سازند.

«امروز، در روح و قوت ایلیا و یحیی تعمیددہندہ، پیام‌آورانی کہ بہ تعیین خدا منصوب شدہ‌اند، توجہٴ جهانی را کہ در آستانہٴ داوری است بہ رویدادہای خطیری کہ بہ زودی در پیوند با واپسین ساعات مہلت آزمون و ظهور مسیح عیسی بہ عنوان پادشاہ پادشاہان و رب‌الارباب روی خواہد داد، جلب می‌کنند. بہ زودی ہر انسان برای اعمالی کہ در جسم انجام دادہ است داوری خواہد شد. ساعت داوری خدا فرارسیدہ است، و بر اعضای کلیسای او بر روی زمین این مسئولیت خطیر قرار دارد کہ بہ کسانی کہ گویی بر لب پرتگاہ ہلاکت ابدی ایستادہ‌اند ہشدار دہند. باید برای ہر انسان در سراسر جهان کہ گوش فرا خواہد داد، اصولی کہ در این نبرد عظیم جاری در میان است آشکار ساختہ شود؛ اصولی کہ سرنوشت تمامی نوع بشر بہ آنہا آویختہ است.» انبیا و پادشاہان، ۷۱۵، ۷۱۶.

تاریخ یحیی تعمیددہندہ و مسیح، و نیز تاریخ میلیری‌ها، پیام و کار یکصد و چهل و چہار ہزار را بہ تصویر می‌کشد. ہم یحیی و ہم مسیح، پیام خود را نمایانگر پایان زمان فیض می‌دانستند.

لیکن جب اُس نے بہت سے فریسیوں اور صدوقیوں کو اپنے بپتسمہ کے لیے آتے دیکھا تو اُس نے اُن سے کہا، اے سانپوں کے بچے، تمہیں کس نے خبردار کیا کہ آئے والے غضب سے بھاگو؟ متی 3:7.

مسیح ویرانی اورشلیم را - همان ویرانی ای را که یوحنا درباره آن به یهودیان جدل گر هشدار داده بود - به عنوان واقعه ای نزدیک مطرح کرد. عیسی این ویرانی را به مثابه نمادی از «غضب» به کار برد؛ غضبی که از آن هنگام آغاز می شود که او، به عنوان میکائیل، در دانیال، باب دوازدهم، آیه یک، برمی خیزد.

مسیح در اورشلیم نمادی از جهانی دید که در بی ایمانی و سرکشی سخت دل شده و شتابان به پیشواز داوری های کیفری خدا می رود. مصیبت های نسل سقوط کرده، که بر جان او سنگینی می کرد، آن فریاد به غایت تلخ را از لبانش برآورد. او ثبت گناه را دید که در بدبختی انسان، اشک ها، و خون نقش بسته بود؛ دل او با شفقتی بی نهایت برای رنج دیدگان و زحمت کشان زمین به حرکت آمد؛ او مشتاق بود که همه آنان را رهایی بخشد. اما حتی دست او نیز نمی توانست سیلاب اندوه انسانی را بازگرداند؛ اندکی بودند که تنها سرچشمه یاری خویش را بجویند. او حاضر بود جان خود را تا به مرگ بریزد تا نجات را در دسترس آنان قرار دهد؛ اما اندکی بودند که نزد او آیند تا حیات یابند.

«جلال آسمان در اشک! پسر خدای نامتناهی، در روح مضطرب، از شدت اندوه سر فرود آورده! آن صحنه، سراسر آسمان را از شگفتی آکند. آن صحنه برای ما گناه را در نهایت گناه آلودگی اش آشکار می سازد؛ نشان می دهد که رها کردن گناهکاران از پیامدهای تعدی از شریعت خدا، حتی برای قدرت نامتناهی نیز چه کار دشواری است. عیسی، با نگرستن به واپسین نسل، دید که جهان در فریبی گرفتار شده است همانند آن فریبی که موجب هلاکت اورشلیم شد. گناه عظیم یهودیان، رد کردن مسیح بود؛ گناه عظیم جهان مسیحیت، رد کردن شریعت خدا خواهد بود، که بنیان حکومت او در آسمان و زمین است. فرایض یهوه خوار شمرده می شد و به هیچ انگاشته می گردید. میلیون ها انسان در بند گناه، بردگان شیطان، محکوم به تحمل مرگ دوم، در روز تفقد خویش از گوش سپردن به سخنان حقیقت سر باز می زدند. چه کوری هولناکی! چه شیفتگی شگفت انگیزی!»
The Great Controversy, 22

پیغام هشدار که یوحنا تعمیددهنده و نیز مسیح اعلام کرد، همان يك پیام هشدار بود؛ همان گونه که پیام هشدار میلریتیان نیز همان پیامی بود که رویدادهای مرتبط با بسته شدن در فیض را مشخص می کرد، پیامی که آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر اعلام خواهند کرد. سه شاهد؛ یوحنا تعمیددهنده، مسیح و میلریتیان، گواهی می دهند که کار و پیام آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر، فرآیندی آزمونی مرگ و زندگی است که به وسیله افزایش معرفتی که در سال 1989 مهرگشایی شد، به انجام می رسد. پیامی که در آن زمان مهرگشایی شد، رؤیای روزهای آخر است که اگر خردمندان بخواهند «کاهنایی» باشند که آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر را تشکیل می دهند، باید آن را بفهمند. اگر آن نامزدها آن رؤیا را درنیابند، به عنوان شیران، یا به عنوان جاهلان، شناسایی می شوند و هلاک می گردند. آنان و فرزندانشان، مطابق با ردشان نسبت به آن رؤیایی که همان افزایش معرفت است، مردود شمرده می شوند.

کلام خدا مشخص می سازد که روم همان قدرتی است که خویشان را برمی افرازد، قوم خدا را غارت می کند، و سپس سقوط کرده، رؤیا را برقرار می سازد. این پرسش که آیا روم معاصر قدرت پاپی است یا ایالات متحده، آزمونی است که آشکار می سازد آیا آن نامزدها باکره های دانا هستند یا باکره های نادان. این آزمون، آزمونی نبوی است که از کتاب دانیال برگرفته شده و سپس در کتاب مکاشفه تأیید و به کمال رسانده می شود. موضوع روم معاصر صرفاً انتخابی میان قدرت پاپی یا ایالات متحده نیست؛ بلکه آزمون نهایی برای آن یکصد و چهل و چهار هزار است. این آزمونی نبوی است، و اگر

به درستی فهمیده شود، هر نمود فرایند نهایی آزمون را که در درون شهادت نبوی تقدیس شده خدا بیان شده است، در بر می گیرد.

فرآیند آزمون در زمان یحیی تعمیددهنده و مسیح، همان گونه که فرآیند آزمون در زمان میلری ها نیز بود، از کتاب دانیال برگرفته شده بود. به عنوان یک آزمون نبوی، روش شناسی چگونگی تثبیت حقیقت، برای آن نامزدها جهت به کار بستن درست، به همان اندازه اساسی است که صرفاً پایبند بودن به دیدگاه درست درباره این که روم مدرن کیست. خواه شناسایی درست روم مدرن مورد نظر باشد، خواه به کار بستن روش شناسی درست، هر دو عنصر این آزمون در کتاب دانیال جای گرفته اند. در باب نخست دانیال، دانیال از میان یک فرآیند آزمون سه مرحله ای عبور کرد که با رژیم غذایی آغاز شد، سپس آزمونی دیداری در پی آمد، و پس از آن آزمونی که به وسیله نبوکدنصر انجام شد؛ او نماد کتاب مقدس پادشاه شمال، یعنی قدرت پایی ایام آخر، است.

اور ان چارون لڑکوں کو خدا نے ہر قسم کی تعلیم اور حکمت میں علم اور مہارت بخشی؛ اور دانی ایل کو ہر طرح کی رویا اور خواب کی سمجھ عطا ہوئی۔ پھر ان دنوں کے اختتام پر، جن کے بارے میں بادشاہ نے فرمایا تھا کہ انہیں حاضر کیا جائے، خواجہ سراؤں کے سردار نے انہیں نبوکدنصر کے حضور پیش کیا۔ اور بادشاہ نے ان سے گفتگو کی؛ اور ان سب میں دانی ایل، حننیاہ، میسائیل، اور عزریاہ کے مانند کوئی نہ پایا گیا؛ اس لیے وہ بادشاہ کے حضور کھڑے رہنے لگے۔ اور حکمت اور فہم کے ہر معاملہ میں، جس کے بارے میں بادشاہ نے ان سے دریافت کیا، اس نے انہیں اپنے تمام قلمرو کے سب جادوگروں اور نجومیوں سے دس گنا بہتر پایا۔ دانی ایل ۱:۱۷-۲۰.

«در پایان ایام»، که از نظر نبوی همان ایام آخر است، هنگامی که آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر آزموده می شوند، دانیال و آن سه یار شایسته «ده بار از جمیع مجوسیان و منجمانی که در تمام مملکت او بودند، برتر یافت شدند»، و دانیال «در فهم همه رؤیاها و خوابها» بصیرت داشت. دانیال نماینده آن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است که در ایام آخر، افزایش معرفتی را که در سال 1989، هنگامی که مسیح، چون شیر سبط یهودا، «آن بخش از کتاب دانیال را که مربوط به ایام آخر بود» گشود، پدید آمد، درک می کنند.

دانیال صرفاً بیش از دیگران درباره خوابها و رؤیاها درک نداشت، بلکه «در همه رؤیاها و خوابها فهم» داشت. او نماینده کسانی است که روش «حکم بر حکم» را به کار می گیرند، زیرا آن روش «همه رؤیاها و خوابها» را در یک پیام منسجم گرد می آورد. پیامی که همه خوابها و رؤیاها را در یک خط نبوی واحد به هم پیوند می دهد، «وقایع مربوط به بسته شدن در رحمت» را مشخص می سازد. آن پیام به وسیله نماد نبوی ای استوار می گردد که روم مدرن است، همان قدرتی که خود را برمی افرازد، قوم خدا را غارت می کند، و سقوط می کند.

آن قدرت تنها از راه به کارگیری روش شناسی درست می تواند برقرار گردد. بیشتر کسانی که مدعی مطالعه کتاب مقدس هستند، روش شناسی «حکم بر حکم» را رد می کنند، و برخی نیز که مدعی به کارگیری آن اند، قواعدی را که روش شناسی «حکم بر حکم» را تشکیل می دهند به نادرستی به کار می برند. آن قواعد نخستین بار به وسیله میلری ها در عرصه ثبت عمومی قرار گرفت، و قوم آخرالزمانی خدا از پیش هشدار یافته اند که کسانی که در واقع رسولان فرشته سوم هستند، از قواعد ویلیام میلر برای تفسیر نبوی استفاده خواهند کرد.

«آنان که در اعلام پیام فرشته سوم مشغول اند، کتب مقدس را بر همان نقشه ای می جویند که پدر میلر اختیار کرده بود.» Review and Herald، 25 نوامبر 1884.

ویلیام میلر نمایانگر آغاز سه فرشته مکاشفه چهارده بود، و نمونه او در یحیی تعمیددهنده دیده می شود؛ یحیی که آغاز پیامی بود که مسیح پایان آن بود. خواهر وایت به طور مستقیم فرایند آزمون

یحیی تعمیددهنده نسبت به مسیح را با فرایند آزمون سه فرشته همسو می‌سازد. یحیی پیام را آغاز کرد، و تا اندکی پیش از صلیب، هنگامی که مسیح شاگردان خود را به قیصریه فیلیپی برد، عیسی آنگاه جزئیات آن پیامی را که یحیی آغاز کرده بود، افزود. نخستین حقیقتی که یحیی هنگامی که مسیح را دید، شناسایی کرد، این بود که مسیح همان بره خداست که گناهان جهان را برمی‌دارد.

این امور در بیت‌عباره، آن سوی اردن، جایی که یوحنا تعمید می‌داد، واقع شد. روز بعد، یوحنا عیسی را دید که به سوی او می‌آید، و گفت: اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد. این است آن که درباره‌اش گفتم: پس از من مردی می‌آید که بر من مقدم است، زیرا پیش از من بوده است. یوحنا ۱:۲۸-۳۰.

سپس آن دوره سه‌سال‌ونیم آزمون آغاز شد که در صلیب به پایان رسید. پس از آنکه یوحنا اندکی پیش از صلیب به قتل رسید، عیسی آنگاه آغاز کرد به شرح دادن همان نخستین گفته یوحنا.

وقتی عیسی به نواحی قیصریه فیلیپی آمد، از شاگردان خود پرسید و گفت: مردم مرا که پسر انسانم، چه کسی می‌دانند؟ ایشان گفتند: بعضی می‌گویند یحیی تعمیددهنده‌ای؛ بعضی، ایلایا؛ و بعضی دیگر، ارمیا یا یکی از انبیا. به ایشان گفت: اما شما مرا که می‌گویید که هستم؟ شمعون پطرس در پاسخ گفت: تویی مسیح، پسر خدای زنده. عیسی در جواب او گفت: خوشا به حال تو، ای شمعون بن‌یونا، زیرا این را جسم و خون بر تو مکشوف نساخته است، بلکه پدر من که در آسمان است. و من نیز تو را می‌گویم که تو پطرس هستی، و بر این صخره کلیسای خود را بنا خواهم کرد، و دروازه‌های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت. و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو خواهم داد؛ و آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد؛ و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد. آنگاه به شاگردان خود حکم فرمود که به هیچ‌کس نگویند که او عیسی مسیح است. از آن زمان، عیسی آغاز کرد که به شاگردان خود نشان دهد که باید به اورشلیم برود، و از مشایخ و سران کاهنان و کاتبان رنج‌های بسیار بکشد، و کشته شود، و در روز سوم برخیزانیده شود. متی ۱۶:۱۳-۲۱.

قیصریه فیلیپی نام پانیوم در زمان مسیح است، و پانیوم در آیه‌ای که پس از آیه چهاردهم دانیال یازده می‌آید شناسایی می‌شود، جایی که دزدان قوم تو، که خویشتن را برمی‌افرانند، اما ساقط می‌شوند، معرفی می‌گردند. پیام یحیی تعمیددهنده، که الهام‌شده و کامل بود، همان پیامی در آغاز بود که نمایانگر پیام میلری بود، پیامی که بر قواعد میلر استوار شده بود. پیام مسیح در پایان، که بر پیام یحیی بنا شد و آن را بسط داد، و نماد پیام در پایان سه فرشته بود، همان پیامی است که بر قواعد میلر و بر جزئیاتی مبتنی است که هنگامی به پیام میلر افزوده می‌شوند که روش‌شناسی «سطر بر سطر» به پایان برسد.

برای رسیدن به فهمی نادرست از آن نمادی که رؤیا را با نماد روم جدید برقرار می‌سازد، همانندی‌ای وجود دارد با کسانی که تاریخ مسیح که پیام صلیب را رد کردند. به ما آگاهی داده شده است که یهودیانی که پیام یحیی تعمیددهنده را رد کردند، نمی‌توانستند از تعالیم عیسی بهره‌مند شوند، و این که تاریخ آن یهودیانی که دقیقاً چنین کردند، نمایانگر کسانی است که پیام فرشته اول را رد کردند. میلری‌ها «غارتگران قوم تو» را، که من بعدها آن را با عبارت «روم جدید» نام‌گذاری کردم، همان قدرت پاپی تشخیص دادند.

ما این ملاحظات را در مقاله بعدی پی خواهیم گرفت.